

علم زبان؛ سال ۶، شماره ۹، بهار و تابستان ۱۳۹۸

بررسی مقایسه‌ای کودکان چهار تا پنج سال دوزبانه (ترک و فارسی‌زبان) و تک‌زبانه (فارسی‌زبان) در درک و کاربرد عبارات استعاری بدن‌مند
سعیده شجاع رضوی*

استادیار گروه زبان‌شناسی، پژوهشکده زبان‌شناسی کتیبه‌ها و متون پژوهشگاه میراث فرهنگی، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۲۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۰۳)

چکیده

در مواجهه پژوهشگر با کودکان دوزبانه مهدکودک‌ها مشاهده شد که این کودکان اگرچه تلاش بسیاری در کاربرد درست قواعد زبانی دارند، اما نمی‌توانند مانند کودکان تک‌زبانه فارسی‌زبان در درک و کاربرد عبارات استعاری زبان فارسی موفق باشند. به همین سبب پژوهش حاضر سعی دارد در چارچوب زبان‌شناسی اجتماعی - شناختی، به بررسی عامل دوزبانگی در میزان درک و کاربرد عبارات استعاری این کودکان بپردازد. روش پژوهش حاضر توصیفی - آزمایشی است. شیوه پژوهش حاضر برگرفته از شیوه بیالکالکاپیکال (2003) می‌باشد. بنابر یافته‌ها، کودکان دوزبانه در پرسشنامه عبارات استعاری جاخالی معادل‌های بیشتری نسبت به کودکان تک‌زبانه بیان کردند. در آزمون کارت‌های دوتایی، کودکان دوزبانه در استعاره مزه با ۳/۵۰ بیش‌ترین امتیاز و استعاره صدا با ۱/۱۰ کم‌ترین امتیاز را داشته‌اند، اما کودکان تک‌زبانه در استعاره لامسه با ۲/۱۶ کمترین امتیاز و استعاره مزه با ۴ بیشترین امتیاز را کسب کرده‌اند. نتیجه این که کودکان دوزبانه در کاربرد عبارات استعاری ضعیف‌تر از کودکان تک‌زبانه عمل کردند. کودکان دوزبانه در آزمون کارت‌های دوتایی، امتیازات سطح سوم کاربرد نسبی را کسب کردند و کودکان تک‌زبانه امتیازات سطح چهارم یا کاربرد کامل را به دست آوردند.

کلیدواژه‌ها: زبان‌شناسی اجتماعی - شناختی، کودکان دوزبانه، استعاره، بدن‌مندی.

* E-mail: saeedeshojarazavi@gmail.com

۱. مقدمه

چنان که می‌دانیم زبان‌شناسی اجتماعی رویکردی کاربردی‌بنیاد به شمار می‌آید که زبان را در سطح جامعه و در پیوند با متغیرهای اجتماعی بررسی می‌کند. از سوی دیگر، زبان‌شناسی شناختی نیز به دگرگونی‌های زبانی در سطح معنا علاقه‌مند است. چنان که گیرارتس^۱ (2010) معتقد است، زبان‌شناسی اجتماعی - شناختی به بررسی ابعاد اجتماعی - شناختی زبان در کاربرد روزمره آن می‌پردازد؛ به عبارتی، هم به مطالعه گوناگونی معانی می‌پردازد و هم به مطالعه معنای گوناگونی‌ها. پژوهش حاضر نیز در دو حیطه اجتماعی و شناختی است. به عبارتی، از یک سو گوناگونی‌های زبانی را در دوزبانگی کودکان بررسی می‌نماید و از سوی دیگر، این بررسی در سطح درک و کاربرد کودکان صورت می‌گیرد که ناچار از به کار بردن ابزار شناختی است.

از آن جا که کشور پهناور ایران دارای زبان‌ها و گویش‌های متعددی است، تعداد زیادی از کودکان ایران، دوزبانه یا حتی چندزبانه می‌باشند، این مسئله لزوم پژوهش‌های زبانی - اجتماعی بیشتری را در این زمینه می‌طلبد. کودکان دو یا چندزبانه هنگام ورود به مدرسه و مواجهه با نظام آموزشی هماهنگ، دچار مشکلاتی می‌شوند که بررسی‌هایی از این دست می‌تواند راه را برای شناخت هرچه بهتر زبان‌آموزی و دانش‌شناختی این کودکان هموار سازد.

در پژوهش حاضر کودکانی مورد بررسی قرار گرفتند که تا پیش از سن دبستان، زبان فارسی را به عنوان زبان دوم در خانواده فراگرفته‌اند، اما در مواجهه پژوهشگر با آنان در مهدکودک‌ها مشاهده شد که این کودکان اگرچه تلاش

^۱. Geeraerts

بسیاری در گفتار کلمات صحیح فارسی و کاربرد درست قواعد زبانی دارند، اما درک این‌همانی‌های استعاری و عبارات استعاری به‌کاررفته در کلام فارسی‌زبانان آنان را سردرگم و گمراه می‌کند و نمی‌توانند مانند کودکان تک‌زبانۀ فارسی‌زبان در درک و کاربرد عبارات استعاری موفق باشند. گفتار آنان نشانگر آن است که دستور زبان و قواعد زبانی را به خوبی درک می‌کنند و به کار می‌برند، اما در درک عبارات استعاری و کاربرد این‌همانی‌های زبان فارسی ناموفق‌اند.

پژوهش حاضر در چارچوب زبان‌شناسی اجتماعی - شناختی به این موضوع می‌پردازد که کودکان تک‌زبانۀ فارسی‌زبان و دوزبانۀ ترک - فارسی‌زبان در کدام نوع از استعاره‌های بدن‌مند درک و کاربرد بالاتر و در کدام نوع از استعاره‌های بدن‌مند ضعیف‌تر عمل می‌کنند. در مقایسهٔ کودکان دوزبانه و تک‌زبانه و مشاهدهٔ تفاوت‌های درک و کاربرد عبارات استعاری مورد بررسی، بهتر می‌توان این کودکان را در برقراری ارتباط با سایرین یاری کرد و علاوه بر آن، با تمرین و آموزش این‌همانی‌های محیطی به تقویت هوش کلامی و شناختی آنان پرداخت.

با توجه به اهمیت رشد شناختی و ذهنی انسان در دوران کودکی، روان‌شناسان زبان سعی کرده‌اند توانایی درک استعاری کودکان را از سنین پایین مورد ارزیابی قرار دهند. چنان‌که می‌دانیم استعاره نشانگر نظام فکری - فرهنگی و بیانگر نحوهٔ مراودهٔ انسان با جهان پیرامون است. برخلاف تصور قدما، استعاره فقط در اشعار و متون ادبی مشاهده نمی‌شود. گفتار روزمرهٔ ما که اغلب از آن غافلیم، دارای استعاره‌های متعددی است که نظام فکری و فرهنگی ما را شکل می‌دهد (Lakoff & Johnson, 1980). کووچش^۱ (2010) اساس ادراک حجمی را بدن انسان می‌داند و بدن و حواس انسان را مبدأ شناخت پدیده‌های محیطی و

^۱. Z. Kövecses

ادراک او می‌نامد. بیالکاپیکال (2002) معتقد است، استعاره‌هایی که بر اساس حواس انسان قابل شناسایی باشند، استعاره‌های بدن‌مند نامیده می‌شوند. او انواع استعاره‌های بدن‌مند را مطالعه و پنج نوع آن را شامل رنگ، شکل، اندازه، حرکت و لامسه بررسی می‌نماید. در این پژوهش، پنج استعاره بدن‌مند دیگر نیز به پنج استعاره پیکال اضافه گردید و در آزمون کودکان مورد استفاده قرار گرفت. این پنج استعاره بدن‌مند دیگر عبارت‌اند از سرعت، مزه، بو، صدا، شیء.

۱-۱. بیان مسأله

اخیراً پژوهش‌هایی در زمینه زبان‌شناسی اجتماعی - شناختی کودکان دوزبانه در مقایسه با کودکان تک‌زبانه صورت گرفته است. در تمامی این پژوهش‌ها درک شناختی کودکان دوزبانه بیشتر از کودکان تک‌زبانه گزارش شده است، اما مشاهدات پژوهش‌گر در زمینه عدم کاربرد صحیح کودکان دوزبانه فارسی و ترک‌زبان در ساختار عبارات استعاری بدن‌مند، سبب انجام این پژوهش شد تا چگونگی و میزان درک و کاربرد هر کدام از انواع استعاره‌های بدن‌مند به تفکیک مورد بررسی قرار گیرد. در این پژوهش، دو نوع آزمون از کودکان گرفته شد که در یکی میزان درک این‌همانی‌های شناختی به وسیله عبارات جاخالی از کودکان پرسیده می‌شود و دیگری درک و کاربرد عبارات استعاری زبان فارسی است که با عکس‌های دوتایی کودکان مورد آزمون قرار می‌گیرند.

۱-۲. پیشینه پژوهش

دوزبانگی از موضوعات مهمی است که زبان‌شناسان اجتماعی و پژوهشگران علوم شناختی بسیاری به آن پرداخته‌اند. تاریخچه مطالعات دوزبانگی به دو بخش

اساسی قابل تقسیم است. یکی مطالعاتی که قبل از دهه ۱۹۶۰ انجام شده و در این پژوهش‌ها دوزبانه‌ها نسبت به تک‌زبان‌ها عملکرد ضعیف‌تری داشته‌اند و دیگر پژوهش‌های پس از دهه ۱۹۶۰ که در آنها موفقیت‌های درکی و شناختی کودکان و افراد دوزبانه مطرح شده است. پژوهشی که در زمینه دوزبانگی و دانش شناختی کودکان صورت گرفته اثر کسلر و کوین^۱ (1982) در زمینه دانش شناختی کودکان دوزبانه است. نتایج این پژوهش‌ها حاکی از آن است که دوزبانگی تأثیر مثبتی بر خلاقیت شناختی کودکان و برتری آنها در تفکر واگرا دارد. دیارز و پادیللا^۲ (1985) در مطالعه‌ای بر روی دانش‌آموزان پیش‌دبستانی دوزبانه آمریکا و مکزیک، به این نتیجه دست یافتند که دانش‌آموزان دوزبانه در سه حوزه عملکرد طراحی، طبقه‌بندی و وظایف داستانی نسبت به دانش‌آموزان تک‌زبانه موفق‌تر بوده‌اند. کومینز^۳ (1991) در بررسی کودکان دوزبانه بیان کرده است که عوامل شناختی نقش کلیدی در محاوره و موفقیت‌های زبانی کودکان دوزبانه دارد. او همچنین اظهار داشته که عوامل فردی همچون انگیزش، بیان، فرایند کسب زبان، نحوه برخورد زبان‌ها و فرایند تفکر می‌توانند در رشد شناختی افراد دوزبانه تأثیرگذار باشد. پژوهش پیل و لامبرت^۴ (1992) در مدارس مونترال صورت گرفت. آنها دو گروه از دانش‌آموزان دو و تک‌زبانه را مورد بررسی قرار دادند. نتایج جالب توجهی داشت. آنان مشاهده کردند که عملکرد کودکان دوزبانه به شکل معنی‌داری بهتر از عملکرد کودکان تک‌زبانه بود. پژوهش بیالیس تاک^۵ (2002) در زمینه دوزبانگی کودکان و تأثیرات مثبت آن بوده است. او مطرح می‌سازد که

^۱. C. Kessler and M. E. Quinn

^۲. R. M. Diaz & K. Padilla

^۳. J. Cummins

^۴. E. Peal & W. E. Lambert

^۵. E. Bialystok

دوزبانگی در افزایش توانایی آنها در حل مسایل ریاضی و کنترل فرایندهای زبانی تأثیرگذار بوده است. البته تنها زمانی دوزبانگی بر توانمندی شناختی تأثیر مثبت دارد که فرد دوزبانه در زبان دوم به سطح مشخصی از رشد زبانی رسیده باشد. وی عنوان کرد که رشد شناختی دوزبانه‌ها به دلیل تفکر واگرا، انعطاف‌پذیری و سیالیت بالای ذهن آنان است. او مطرح کرد که کودکان دوزبانه در گزینش محرک‌ها و نشانه‌ها، عملکرد شناختی بهتری نسبت به کودکان تک‌زبانه دارند و با سرعت عمل بیشتری نیز پاسخ می‌دهند. پژوهش سامپات^۱ (2005) در موضوع تأثیرات مثبت توانش زبانی زبان دوم بر هوش زبانی و مؤلفه‌های دیگر هوش غیر کلامی است. نیکالادیس^۲ (2008) نیز معتقد است که دوزبانه‌ها در فعالیت‌های شناختی و کنش‌های زبانی بهتر از تک‌زبانه‌ها عمل می‌کنند. رون کروس بای و رندی پرسکو^۳ (2008) پژوهشی را بر روی دانش‌آموزان ژاپنی که انگلیسی نیز زبان دوم آنها بود و دانش‌آموزانی که زبان مادری آنها انگلیسی بود و تک‌زبانه بودند، انجام دادند. به هر دو گروه سؤالات یکسان داده شد و نمرات آزمون در دو بخش درک مطلب و خواندن به نفع ژاپنی‌های دوزبانه بود و مطرح شد که توانمندی شناختی دوزبانه‌ها به دلیل سیال بودن ذهن آنان و کارکرد بهتر آن است.

پژوهش‌های روان‌شناختی که بر روی افراد دوزبانه صورت گرفته است، نشان می‌دهد که افراد دوزبانه در فرایندهای شناختی نسبت به زبان اول دارای سوگیری‌هایی هستند. نمونه آن، پژوهش انوشین و هرتل^۴ (1994) است. آن‌ها

1. K. Sampath

2. E. Nicoladis

3. Ron Gronsby & Randy presold

4. L. J. Anoushian & P. T. Hertel

دریافتند که افراد دوزبانه در فرایندهای شناختی و هیجانی نسبت به زبان اول خود سوگیری دارند و لغات هیجانی و اصطلاحات عامیانه را در زبان اول بیشتر به کار می‌برند تا زبان دوم. همچنین سینگ کیات و داک^۱ (2006) نیز بیان کردند که افراد دوزبانه در زبان اول خود از کلمات هیجانی و بین فردی بیشتری استفاده می‌کنند. پژوهش‌های دواری^۲ (1997) و (2006) نیز حاکی از این است که افراد دوزبانه حالات هیجانی خود را نسبت به زبان اول بیشتر به کار می‌برند تا به زبان دوم.

در زبان فارسی نیز پژوهش‌هایی از این دست صورت گرفته است. شفیع‌آبادی و دیگران (۱۳۹۳) مقایسه حافظه کاری افراد دوزبانه و تک‌زبانه، و تفاوت جنسیتی آنان پرداخته است. در این پژوهش، ۶۰ دانش‌آموز پسر و ۶۰ دانش‌آموز دختر در متغیرهای هوش، سن و سطح تحصیل مورد بررسی قرار گرفته‌اند. نتیجه حاکی از آن است که دوزبانگی تأثیر مثبتی بر عملکرد حافظه کاری دارد و نیز عملکرد جنسیت مذکر در تکالیف حافظه کاری غیرکلامی بهتر است و این موارد از عوامل اجتماعی زبان است. فیاضی و دیگران (۱۳۹۶) به بررسی تأثیر دوزبانگی و جنسیت بر هوش زبانی و هوش ریاضی - منطقی با مقایسه دانش‌آموزان دوزبانه و یک‌زبانه پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش زبان‌شناسی اجتماعی، حاکی از برتری کودکان دوزبانه در بخش‌های هوش زبانی و هوش ریاضی - منطقی است و پسران تفاوت معناداری در نمرات خود و ارزیابی در هوش منطقی - ریاضی با دختران داشته‌اند.

1. Sing-Kiat & A. Dueck

2. M. Dwairy

۳-۱. اهداف

در مقایسهٔ کودکان دوزبانه و تک‌زبان فارسی‌زبان و مشاهدهٔ تفاوت‌های درک و کاربرد عبارات استعاری مورد بررسی، بهتر می‌توان این کودکان را در برقراری ارتباط با سایرین یاری کرد و علاوه بر آن، با تمرین و آموزش این‌همانی‌های محیطی به تقویت هوش کلامی و شناختی آنان پرداخت. به همین سبب، در پژوهش حاضر با بررسی آزمودنی‌ها شناخت بهتری از درک و کاربرد انواع استعاره‌های بدن‌مند این کودکان حاصل می‌گردد و به این مهم دست می‌یابد که تفاوت کودکان مورد بررسی در چیست و در کدام نوع از استعاره‌های بدن‌مند درک و کاربرد بالاتر و در کدام نوع از استعاره‌های بدن‌مند ضعیف‌تر عمل می‌کنند.

۴-۱. پرسش‌های پژوهش

پرسش‌های پژوهش عبارتند از (الف) کودکان دوزبانه و تک‌زبان در معادل‌یابی عبارات استعاری بدن‌مند چگونه عمل می‌کنند و چه تفاوت‌هایی با هم دارند؟ (ب) کودکان دوزبانه و تک‌زبان در هر کدام از ده نوع استعارهٔ بدن‌مند چه امتیازاتی را کسب می‌کنند و دارای چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی در درک و کاربرد انواع عبارات استعاری بدن‌مند هستند؟

۲. چارچوب نظری

در مطالعات شناختی، استعاره به معنای عام کلمه به کار می‌رود و هر گونه تشبیه جزء مقولهٔ استعاره به حساب می‌آید (قاسم‌زاده، ۱۳۹۴). دانشمندان سازوکار اصلی

استعاره‌ها را براساس درک شباهت‌ها و مناسبات و نیز تفکر آنالوژیک یا تمثیلی توضیح می‌دهند و بیش‌گستری یکی از مهم‌ترین جنبه‌های یادگیری کلمات در پیش‌دبستانی‌هاست که به کودک امکان می‌دهد تا بیان‌های استعاری از خود نشان دهد (قاسم‌زاده، ۱۳۹۱).

لیکاف و جانسون اساس نظریه‌ی بدن‌مندی ذهن و فلسفه‌ی واقعیت‌گرایی بدن‌مند را در کتاب‌های *استعاره‌هایی که باور داریم*^۱ (۱۹۸۰) و *فلسفه‌ی بدن‌مند* (۱۹۹۹) مطرح کردند. آنان معتقدند که معنا در تجربه‌ی حسی - حرکتی ما زمینه‌سازی شده است و معنای بدن‌مند از طریق عوامل مختلف ذهنی، مانند استعاره، ایهام و گونه‌های مختلف مفهومی، موجب ساخت مفاهیم انتزاعی در ذهن ما می‌شود. گردی^۲ (۱۹۹۷) در تحقیقات خود نشان داد که صدها استعاره مفهومی به شیوه‌ی خودکار و ناآگاهانه در جریان تجربه‌های روزانه ما با دنیای خارج شکل می‌گیرد. یافته‌های جدید نشان داده است که کودک در دوران جنینی در رحم مادر آهنگ صدای مادر خویش را فرا می‌گیرد. باز هم با کشف جدیدی معلوم شده است که دستگاه بینایی کودک در رحم مادر با فعال شدن الگوهای نورونی در شبکه تنظیم می‌شود. این تحول نشان می‌دهد یادگیری نورونی به کمک دروندادها اندام‌های ادراکی ولی بدون ادراک از دنیای خارج و بسیار زودتر از تولد اتفاق می‌افتد (نیلی‌پور، ۱۳۹۴: ۹۰-۹۱).

به نقل از نیلی‌پور، گردی (۱۹۹۷) اشاره می‌کند که استعاره‌های بدن‌مند استعاره‌های پایه یا بنیادی هستند. او متوجه شد که در سرتاسر دنیا صدها نمونه از این نوع استعاره‌های بنیادی وجود دارد. همه مردم از یک تن مشابه و اساساً

^۱. *Metaphors We Live By*

^۲. J. Grady

محیط یادگیری و تا حدی تجربه های مشابه دوران کودکی مربوط به هر دو حوزه منبع و هدف استعاره‌ها بهره می‌گیرند. در نتیجه این تجربه‌ها، نگاشت‌های نورونی در حوزه استعاره‌ها به طور طبیعی و با تکیه به تجربه‌های روزانه دوران کودکی و به‌کارگرفتن آنها در محیط خارج در ذهن شکل می‌گیرند (نیلی‌پور، ۱۳۹۴: ۹۰-۹۱).

به اعتقاد گیرارتس (2010) رویکرد کاربردبنیاد زبان ناگزیر از پژوهش‌های زبانی و بررسی گوناگونی‌های آن است، زیرا اولاً ساختار زبان یک واقعیت اجتماعی است، یعنی قواعد زبانی توسط جامعه زبانی به کار گرفته می‌شود و ثانیاً، زبان در عین حال که واقعیتی اجتماعی است، واقعیتی شناختی نیز است، زیرا اعضاء جامعه دارای بازنمایی‌های ذهنی از قاعده‌های زبانی موجود هستند که به آن‌ها توانایی به‌کارگیری این سیستم را در ارتباط با دیگر افراد می‌دهد. ثالثاً، همان‌ساز و کاری که اجازه داده این چنین قواعد مشترک جمعی در ذهن یکایک افراد جای گیرد، اجازه می‌دهد که این قواعد در پی اثر متقابل تعاملات اجتماعی دستخوش دگرگونی گردد. رابعاً، همان‌گونه که قواعد زبانی می‌توانند از تعاملات واقعی میان افراد پدید آیند، می‌توانند دستخوش دگرگونی نیز شوند. بنابراین گوناگونی یکی از جنبه‌های اجتناب‌ناپذیر زبان در هر زمان است.

مدرسی (۱۳۶۸) مطرح می‌سازد که برخی از مهم‌ترین عوامل غیرزبانی که در پیدایش گروه‌های زبانی مؤثر شناخته شده‌اند، عبارتند از: منطقه جغرافیایی، طبقه اجتماعی، جنسیت، قومیت، سن، تحصیلات، و... (مدرسی، ۱۳۶۸: ۱۴۰). بنابراین سه عامل سن، جنس و طبقه اجتماعی که در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفته، از عوامل اجتماعی مؤثر بر زبان است و در حیطه زبان شناسی اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. عامل سن در درک عبارات استعاری عاملی شناخته

شده و قابل بررسی است که پژوهش‌های بسیاری در این زمینه صورت گرفته است. ملزوف^۱ معتقد است که در دوسالگی کودکان به وضوح از تفاوت بین افکار در ذهن و شیء موجود در جهان آگاه‌اند و تفاوت بین خواسته‌های خود و دیگران را درک می‌کنند (1999).

نظریه جدید و معاصر استعاره را که مقابله‌ای بود با نظریه‌های کلاسیک لیکاف و جانسون در *استعاره‌هایی که باور داریم* مطرح کردند. به نظر آن‌ها، نظام مفهومی ذهن انسان که اندیشه و کردار آدمی بر آن استوار است، در ذات خود ماهیتی استعاری دارد، اما از آنجا که دسترسی مستقیم به آن در حالت عادی مقدور نیست، برای کشف ساختار این نظام می‌توان از بازنمود آن یعنی زبان، بهره جست. در واقع، نظر زبان‌شناسان شناختی این است که زبان الگوهای اندیشه و ویژگی‌های ذهن انسان را منعکس می‌کند، بنابراین مطالعه زبان از این نگاه مطالعه الگوهای مفهوم‌سازی است. لیکاف و جانسون دو اصل را در نظریه خود در مورد استعاره بیان کردند: الف: استعاره مختص زبان ادبی و شعر نیست. ب: استعاره اصولاً پدیده‌ای زبانی نیست، بلکه ریشه در نظام مفهومی ذهن انسان دارد (Lee, 2001: 7). لیکاف و جانسون برآنند که مفاهیم حاکم بر اندیشه ما فقط شامل موضوعات ذهنی نمی‌شود، بلکه اعمال روزمره ما و حتی پیش‌پافتاده‌ترین جزئیات آن را نیز در برمی‌گیرد. ساختار ادراک، نحوه مرادفه ما در جهان و چگونگی تعامل ما با سایر افراد را همین مفاهیم ذهنی شکل می‌دهد. بنابراین، نظام مفهومی نقشی اساسی در تعریف واقعیات روزمره ما ایفا می‌کند و اگر درستی این ادعا را قبول کنیم، باید بپذیریم

^۱. Meltzoff

که نحوه اندیشیدن، تجربه‌ها و اعمال روزانه ما موضوعاتی مرتبط با استعاره‌اند (Lakoff & Johnson, 1988: 18).

معناشناسان شناختی معتقدند استعاره عنصری بنیادین در مقوله‌بندی و درک انسان از جهان خارج و نیز در فرایند اندیشیدن است. بنابراین، استعاره در این رویکرد، مفهومی نوین می‌یابد و به هرگونه فهم و بیان یک مفهوم انتزاعی در قالب تصورات ملموس‌تر گفته می‌شود (Lakoff, 1993: 28).

روان‌شناسان شناختی نیز معتقدند که رشد ذهنی کودک برای یادگیری مقولات فرهنگی و چیزهایی که خود کودک از طرف جامعه و اطرافیان یاد می‌گیرد، اهمیت فراوان دارد (D'Andrade, 2006). درک استعاری کودکان به دانش مفهومی آنان بستگی دارد. اگرچه بین استعاره‌های کودکان و بزرگسالان تفاوت‌هایی وجود دارد (Engel, 1988). با وجود این، تحقیقات نشان داده است که کودکان همانند بزرگسالان می‌توانند اطلاعات را از حوزه مبدأ به حوزه مقصد نگاشت کنند. کودکان قادرند به‌طور استعاری الگوبرداری کنند و برطبق شرایط می‌توانند استعاره را درک کنند. بنابراین، آن‌ها دارای توانایی تفکر استعاری‌اند و این تفکر ویژگی فطری ذهن محسوب نمی‌شود، بلکه از تجربه‌های جسمانی و فیزیکی کودک نشأت می‌گیرد (Gibbs, 1994).

احساس^۱ و ادراک^۲ احساس عبارت است از فرایند دریافت انرژی محرک از دنیا و رمزگذاری آن با اندام‌های حسی. فرایند احساس با گیرنده‌های حسی شروع می‌شود که به سه دسته نوری (بینایی)، مکانیکی (شنوایی، لامسه، تعادلی) و شیمیایی (بوایی و چشایی) تقسیم می‌شوند. ادراک به فرایند سازمان‌دهی و

1. sensation

2. comprehension / understanding

تفسیر اطلاعات حسی و معنا بخشیدن به این اطلاعات اطلاق می‌شود (Santrak, 2004). وسیله اولیه شناخت برای انسان دستگاه حسی - حرکتی اوست. وسیله بعدی برای مقوله‌بندی جهان خارج، زبان است و شیوه مقوله‌بندی تجربه‌های محیطی به کمک زبان، عمدتاً به شیوه استعاری است (نیلی‌پور، ۱۳۷۰). مطالعات زبان‌آموزی کودکان این نکته را تأیید می‌کند که آنان از مشخصه‌های دیداری به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه، برای شناسایی و تفکیک مقولات از یکدیگر بهره می‌گیرند (Fillmore, 1982).

۳. روش پژوهش

در پژوهش حاضر کودکان دوزبانه‌ای مورد مطالعه قرار گرفتند که هر دو زبان فارسی و آذری را به طور همزمان در خانواده فراگرفته‌اند و هر دو زبان را نیز روزانه به کار می‌برند. طبق تعریف گروسچین (1992) دوزبانگی عبارت است از توانایی فرد در استفاده عادی و روزمره از دو زبان، به شکلی که در زندگی روزمره خود به استفاده از آن نیاز داشته باشد (کرمی، ۱۳۸۵).

در این پژوهش دو نوع مصاحبه صورت گرفت. در مصاحبه اول ۲۰ کودک (ده کودک فارسی‌زبان تک‌زبانه و ده کودک دوزبانه ترک - فارسی‌زبان) در معرض پاسخگویی به عبارات جاخالی استعاری قرار گرفتند. در مرحله دوم نیز همان بیست کودک به وسیله کارت‌های دوتایی آزموده شدند. روش پژوهش حاضر توصیفی آزمایشی است. نمونه‌گیری آزمودنی‌ها به صورت فردی و تک‌تک انجام پذیرفته است. جامعه آماری این پژوهش ده کودک ترک و فارسی‌زبان و ده کودک تک‌زبان فارسی‌زبان از مهدکودک آیه‌ها، فرشته‌های آسمان و تپله (منطقه ۳ تهران) می‌باشد. این پژوهش در سال تحصیلی ۹۶-۹۷ صورت گرفته است.

بسیار عبارت جاخالی به منظور دستیابی به ده مشخصه استعاره بدن‌مند در اختیار آزمودنی قرار گرفت که عبارت بودند از رنگ، شکل، اندازه، سرعت، صدا، بو، لامسه، مزه، اشیا و حرکت که هر کدام از این ده مشخصه توسط دو عبارت جاخالی از کودکان پرسیده شد. به‌عنوان مثال، مشخصه رنگ با دو عبارت جاخالی قرمز مثل... و سبز مثل... از کودکان پرسیده شد تا عبارات استعاری موردنظر آنان ثبت و گردآوری شود.

عبارات جاخالی پرسیده شده از کودکان در جدول ۱ ارائه شده است.

در مصاحبه دوم، به منظور ارزیابی درک و کاربرد عبارات استعاری بدن‌مند از پرسشنامه خودساخته پژوهش شجاع رضوی (۱۳۹۵) و شیوه مصاحبه پژوهش بیالکاپیکال (۲۰۰۲) استفاده شده است. پیکال بر اساس پنج مشخصه «رنگ، شکل، اندازه، حرکت و لامسه» ده نوع استعاره بدن‌مند در زبان هلندی پدید آورد و این عبارات استعاری را در قالب عکس‌های دوتایی مورد آزمون قرارداد. او به وسیله عروسک سخنگو این عکس‌های دوتایی را که نشانگر عبارات استعاری زبان هلندی بود به کودکان نمایش داد و در ازاء پاسخ کودک به سخنان عروسک سخنگو امتیازی به پاسخ آنان تعلق گرفت. به‌عنوان مثال، مشخصه رنگ با عبارت استعاری «به سبزی قورباغه» مدنظر قرار می‌گرفت.

جدول (۱): عبارات جاخالی پرسشنامه اول

۱- مشخصه رنگ	قرمز مثل ...	سبز مثل...
۲- مشخصه شکل	ماکارونی مثل...	کلاه به سر مثل...
۳- مشخصه اندازه	لاغر مثل ...	چاق مثل...
۴- مشخصه سرعت	آهسته مثل...	سریع مثل ...
۵- مشخصه صدا	صدای گرفته مثل...	صدای بلند مثل...
۶- مشخصه بو	بوی بد مثل...	بوی خوب مثل...

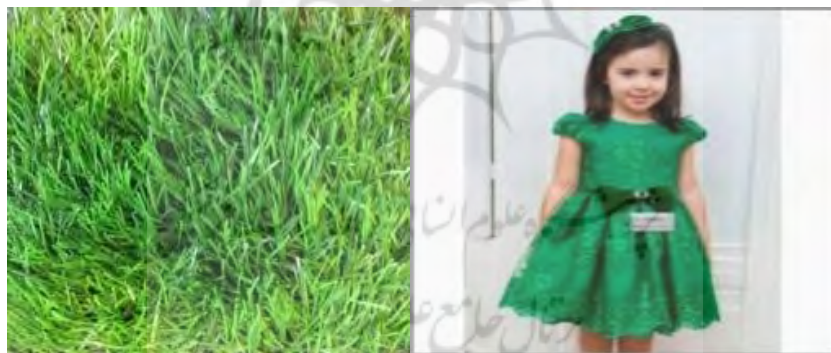
۷- مشخصه لامسه	نرم مثل...	زبر مثل...
۸- مشخصه مزه	شیرین مثل...	تلخ مثل...
۹- مشخصه شکل	صاف مثل...	لرزان مثل...
۱۰- مشخصه حرکت	پریدن مثل...	خزیدن مثل...

عروسک سخنگو دو کارت که یکی حاوی عکس قورباغه و دیگری حاوی عکس دختری با لباس سبزرنگ بود، به کودک نشان می‌داد و عروسک سخنگو خطاب به کودک درون عکس می‌گفت: «وای چه لباس سبزی! تو قورباغه هستی» و کودک مورد آزمون وادار به پاسخگویی می‌شد و پاسخی به این پرسش می‌داد که اساس امتیازدهی پژوهش بیالکاپیکال بود. پژوهش حاضر نیز همین شیوه را مورد استفاده قرار داده است. با این تفاوت که علاوه بر آن پنج مشخصه، پنج مشخصه دیگر نیز مورد بررسی قرار گرفت که عبارتند از مزه، بو، صدا، سرعت و شیء. بیست عبارت استعاری زبان فارسی توسط عکس‌های دوتایی و با کمک عروسک سخن‌گو از کودکان پرسیده شد. (کارت‌های دوتایی عبارات استعاری زبان فارسی برگرفته از پژوهش شجاع رضوی ۱۳۹۵ است). طبق بررسی بیالکاپیکال کودکان در پاسخ‌گویی به عروسک مشکلاتی از قبیل کم‌رویی و عدم همکاری را نداشتند، به همین سبب پرسش‌های مورد آزمون این پژوهش نیز توسط عروسک سخن‌گو از کودکان پرسیده شد.

با توجه به این‌که کودکان از تمامی حواس خود در کسب شناخت از جهان سود می‌برند و در میان مشخصه‌های مورد مطالعه بیالکاپیکال (2003) نشانی از مشخصه‌های مربوط به حواس شنوایی، چشایی و بویایی وجود نداشت، سعی شد تا حداقل یک مشخصه از سایر حس‌های بدن مند کودکان نیز بررسی گردد. حس بینایی، حس شنوایی و حس‌های شیمی‌ای (چشایی و بویایی) حس‌های اختصاصی در انسان هستند و حس‌های پوستی (حس درد، گرما، سرما، لمس) یکی از

زیرشاخه‌های حس‌های عمومی را تشکیل می‌دهند (معظمی، ۱۳۸۰). در مجموع از ۱۰ مشخصه مورد بررسی در این پژوهش، ۶ مشخصه مربوط به حس بینایی است: رنگ، شکل، اندازه، حرکت، سرعت و شیء، و ۴ مشخصه مربوط به حواس شنیداری، لامسه، چشایی و بویایی است.

عکس‌هایی که به کودکان مورد آزمون نشان داده شدند، مربوط به استعاره‌های زبان فارسی بودند. به‌عنوان مثال، همان‌گونه که در عکس‌های زیر ملاحظه می‌شود، عبارت «به سبزی چمن» به جای «به سبزی قورباغه» در گفتار کودکان فارسی زبان مشاهده شد. بر این اساس دو کارت زیر تهیه گردید (شکل ۱). کودک مورد آزمون در یک کارت عکس چمن را مشاهده می‌نمود و در کارت بعدی تصویر یک کودک با لباس سبز به او نشان داده می‌شد.



شکل (۱): نمونه‌ای از کارت‌های دوتایی

عروسک سخنگو با نمایش این دو عکس رو به کودک درون عکس می‌گفت: «وای تو چمن هستی؟» و کودک مورد آزمون با این سؤال عروسک، وادار به پاسخگویی

می‌شد و غالباً حرف می‌زد. پاسخ‌های کودکان در جواب‌دهی و اظهارنظر درباره تصاویر متنوع بود. به پاسخ هر کودک که نشانگر دانش و شناخت او از جهان بود امتیازاتی داده شد.

جدول (۲): نحوه امتیازدهی به پاسخ کودکان

امتیاز ۴	امتیاز ۳	امتیاز ۲	امتیاز ۱	امتیاز ۰
کاربرد کامل عبارت	کاربرد ناقص عبارت	درک کامل و طرح شباهت	درک ناقص و طرح	کودک هیچ پاسخی نمی‌دهد (سکوت)
استعاری به همراه وجه‌شبهه (این بچه مثل بشکه چاق است)، این بچه بشکه است.	استعاری (این بچه مثل بشکه است)	(بچه چاق است بشکه چاق است)	(این بچه است آن بشکه است)	

۴. تحلیل داده‌ها

بر اساس بررسی گفتار کودکان مورد آزمون کارت‌های دوتایی و مقایسه عکس‌العمل‌های زبانی آنان، تفاوت‌های قابل توجهی در گفتار کودکان تک‌زبانه و کودکان دوزبانه ترک - فارسی زبان مشاهده گردید که نشان‌دهنده تفاوت‌های قابل توجهی میان آنان بود. به دلیل تفاوت‌های موجود میان پاسخ‌های کودکان در هر دو گروه مورد بررسی، سعی شد داده‌های به‌دست‌آمده با استفاده از شیوه‌های آماری بررسی گردد. جدول ۵ به توزیع فراوانی داده‌ها براساس استعاره «سبز مثل چمن» می‌پردازد که به‌عنوان نمونه از میان بیست جدول فراوانی استعاره‌ها در این جا ارائه شده است. در این جدول، علاوه بر توصیف فراوانی، از رتبه لیکرت نیز

استفاده شده است. نحوه احتساب رتبه لیکرت برای داده‌های فوق به شرح ذیل است:

$$\bar{X} \cong \frac{f.R}{n \cong 10} \cong \frac{7 \cdot 0 + 2 \cdot 1 + 1 \cdot 2 + 0 \cdot 3 + 0 \cdot 4}{10} \cong 0.4$$

جدول (۳): توزیع فراوانی پاسخ به دو کارت سبز مثل چمن

رتبه لیکرت	جمع	نوع				
		۰ سکوت	۱ درک نسبی	۲ درک کامل	۳ کاربرد نسبی	۴ کاربرد کامل
۲/۲	۱۰	۱	۱	۳	۵	۰
۳/۰	۱۰	۰	۰	۱	۷	۲

همان‌طور که مشاهده می‌شود، از مجموع ده کودک دوزبانه، یک نفر امتیاز صفر (سکوت)، یک نفر امتیاز یک (درک نسبی)، سه نفر امتیاز دو (درک کامل)، پنج نفر امتیاز سه (کاربرد نسبی) و صفر نفر امتیاز چهار (کاربرد کامل) دریافت کرده‌اند. با استفاده از مقیاس لیکرت، مشخص شد که رتبه این افراد در درک و کاربرد عبارت استعاری به سبزی چمن در حد دو و دو دهم از چهار است. از مجموع ده کودک تک‌زبانه، صفر نفر امتیاز صفر (سکوت)، صفر نفر امتیاز یک (درک نسبی)، یک نفر امتیاز دو (درک کامل)، هفت نفر امتیاز سه (کاربرد نسبی)، دو نفر امتیاز چهار (کاربرد کامل) دریافت کرده‌اند. با استفاده از مقیاس لیکرت، مشخص شد که رتبه این افراد در حد سه از چهار است. به عبارت دیگر، استعاره بدن‌مند رنگ در پاسخ به دو کارت سبز و چمن در حد سه و دو دهم از چهار است.

۵. یافته‌ها

بر اساس بررسی گفتار کودکان در عبارات جاخالی و مقایسه میانگین پاسخ‌های متنوع و درست کودکان دوزبانه و کودکان تک‌زبانه نتایج ذیل حاصل شد.

جدول (۴): نتایج پاسخ آزمودنی‌ها در آزمون عبارات جاخالی

تعداد پاسخ‌های درست کودکان تک‌زبانه	تعداد پاسخ‌های متنوع و درست کودکان دوزبانه	عبارت استعاری جاخالی	مشخصه‌ها
۶	۸	قرمز مثل... ..	رنگ
۵	۶	سبز مثل... ..	
۵	۸	ماکارونی مثل... ..	فرم
۶	۹	کلاه به سر مثل... ..	
۵	۸	لاغر مثل... ..	اندازه
۶	۹	چاق مثل... ..	
۷	۹	آهسته مثل... ..	سرعت
۴	۱۰	تند مثل... ..	
۴	۷	صدای گرفته مثل..	صدا
۵	۹	صدای بلند مثل... ..	
۶	۱۰	بوی بد مثل... ..	بو
۵	۱۰	بوی خوب مثل... ..	
۶	۹	نرم مثل... ..	لامسه
۴	۱۰	زبر مثل... ..	
۸	۱۰	شیرین مثل... ..	مزه
۷	۸	تلخ مثل... ..	
۴	۷	صاف مثل... ..	شکل
۶	۱۰	پریدن مثل... ..	حرکت
۷	۹	خزیدن مثل... ..	

چنانچه قابل مشاهده است، میانگین پاسخ‌های کودکان دوزبانه بیشتر از پاسخ‌های کودکان تک‌زبانه است. به عبارت دیگر، کودکان دوزبانه این‌همانی‌های بیشتری را در تکمیل عبارات استعاری به‌کار برده‌اند. البته در مشخصه‌های «شکل، صدا و بو» معادل‌ها به نسبت کمتر است، ولی همچنان در معادل‌یابی‌ها از کودکان تک‌زبانه جلوتراند. کودکان تک‌زبانه چنانکه مشاهده می‌شود در عبارات استعاری مزه و پس از آن به ترتیب در مشخصه‌های لامسه، حرکت، رنگ، فرم، بو، اندازه، صدا، شکل و سرعت پاسخ‌های نسبتاً متنوعی دارند.

جدول (۵): میانگین رتبه لیکرت کودکان دوزبانه و کودکان تک‌زبانه در درک و تولید استعاره

تک‌زبانه	دوزبانه	استعاره	
۳	۲	لباس قرمز - گل سرخ	رنگ
۳	۲/۲	لباس سبز - چمن	
۳/۳۰	۱/۶	ماکارونی - کرم	شیء
۲/۶۰	۲/۵	کلاه بر سر - پلیس	
۳/۲	۲/۶	خم و راست - خمیر	شکل
۲/۸۵	۱/۶	صاف - خط‌کش	
۳/۲۰	۲/۲	لاغر - مداد	اندازه
۳/۱۰	۲/۳۰	چاق - بشکه	
۲/۹۵	۱/۵۰	آهسته - لاک‌پشت	سرعت
۲/۴۵	۲/۴۰	تند - باد	
۳/۲۰	۱/۸۰	پريدن - گنجشک	حرکت
۳/۳۰	۲/۵۰	خزیدن - کرم	
۲/۱۶	۱/۶۰	نرم - گربه	لامسه
۳/۳۰	۲/۵۰	تیغ تیغی - کاکتوس	
۳/۲۰	۲/۴۰	صدای مریض خروس	صدا
۲/۹۰	۱/۱۰	جیغ - بوق	
۳	۱/۵۰	بوی بد - آشغال	بو
۳/۴۰	۲/۴۰	بوی خوب - گل	
۴	۳/۵۰	مزه خوب - شیرینی	مزه
۲/۶۵	۲/۷۰	مزه بد - شربت تلخ	

نتایج موجود در جدول ۴ حاکی از آن است که به طور کلی، کودکان دوزبانه مورد بررسی در کاربرد عبارات استعاری زبان فارسی ضعیف‌تر از کودکان تک‌زبانه فارسی‌زبان‌اند. بنابراین، می‌توان گفت از سطح اول کاربرد نسبی که همان شکل‌گیری ساختار استعاره است، برخوردارند. در این گروه استعاره مزه (مزه خوب شیرینی) با امتیاز $3/50$ بیش‌ترین امتیاز و استعاره صدا در عبارت (جیغ مثل بوق) با امتیاز $1/10$ کمترین امتیاز را داشته‌اند. در گروه کودکان تک‌زبانه امتیازات قابل قبولی مشاهده می‌شود. کودکان به‌خوبی همکاری می‌کنند و به آزمون‌گر پاسخ‌های قابل قبول ارائه می‌دهند. در این گروه از کودکان فرایند رو به رشد شناختی به وضوح ملاحظه می‌شود. در این گروه سنی، استعاره لامسه (نرم مثل گربه) با امتیاز $2/16$ کم‌ترین امتیاز و استعاره مزه (مزه خوب - شیرینی) با امتیاز ۴ بیش‌ترین امتیاز حاصل را داشته‌اند.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

از آنجا که مفهوم متغیر زبانی اجتماعی دوزبانگی پیوند تنگاتنگی با معنا دارد و به اعتقاد گیرارتس (2010) در پژوهش‌های زبان‌شناسی اجتماعی می‌بایست توجه ویژه‌ای به معناشناسی شود، پژوهش حاضر همسو با پژوهش‌های کسلر و کویین (1988) کومینز (1991) دیارز و پادپلا (1985) بیل و لامبرت (1992) به بررسی دوزبانگی و دانش شناختی کودکان چهار تا پنج سال پرداخته است. با این تفاوت که این پژوهش مشخصاً به درک و کاربرد عبارات استعاری بدن‌مند زبان فارسی بر روی کودکان دوزبانه ترک - فارسی‌زبان و تک‌زبانه فارسی‌زبان است و میزان درک و کاربرد این عبارات در میان کودکان مورد بررسی سنجیده شده است. علاوه بر آن، میزان درک و کاربرد تک‌تک استعاره‌های بدن‌مند با شیوه‌ای که

کودکان هر دو گروه مایل به همکاری بودند، مورد بررسی قرار گرفت. در مجموع، یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که کودکان دوزبانه در ساخت عبارات جاخالی استعاری بسیار خوب عمل کرده و میانگین پاسخ‌های صحیح آنان در ساخت این عبارات بیشتر از کودکان تک‌زبانه و طبیعی بوده است. در درک عبارات استعاری نیز مانند کودکان تک‌زبانه امتیازات لازم را کسب کرده‌اند، اما در پاسخ به عبارات استعاری زبان فارسی با اختلاف قابل توجهی از کودکان تک‌زبانه فارسی زبان به سوالات پاسخ داده و امتیازات کمتری در کاربرد عبارات استعاری زبان فارسی به دست آورده‌اند. در نهایت، نتایج این پژوهش با پژوهش‌های انوشین و هرتل (1994)، سینگ کیات و داک (2006) و دواری (2006; 1997) نیز همسو می‌باشد. چنانچه مشاهده شد، کودکان دوزبانه مورد بررسی در فرایندهای شناختی نسبت به زبان اول دارای سوگیری‌هایی می‌باشند و عبارات استعاری را در زبان اول بهتر درک می‌کنند تا زبان دوم. می‌توان دلیل نتایج بهتر آزمون دوم کودکان تک‌زبانه را نیز سوگیری زبان اول کودکان دوزبانه دانست، زیرا در مقایسه، عبارات استعاری را نیز مانند کلمات هیجانی و عبارات عامیانه بیشتر در زبان اول خود به کار می‌برند تا زبان دوم.

منابع

- سانتراک، جان دبلیو. (۱۳۸۸). *زمینه روان‌شناسی سانتراک*. تهران: رسا.
- شجاع رضوی، س. (۱۳۹۵). *بررسی درک استعاری کودک از طریق استعاره‌های بدن‌مند در چهارچوب زبان‌شناسی فرهنگی شناختی*، پایان‌نامه دوره دکترا. دانشگاه پیام نور.
- شفیع‌آبادی، ا. (۱۳۹۳). *مقایسه حافظه کاری و حافظه آینده‌نگر در افراد دوزبانه و تک‌زبانه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه سمنان.

فیاضی، ع. صحراگرد، روشن، ر.، زندی، ب. (۱۳۹۶). «بررسی تأثیر دوزبانگی و جنسیت بر هوش زبانی و هوش ریاضی - منطقی با مقایسه دانش‌آموزان دوزبانه و یک زبانه».

جستارهای زبانی، ۸ (۲). ۲۴۸-۲۲۵.

قاسم‌زاده، حبیب‌اله. (۱۳۹۲). *استعاره و شناخت*. تهران: انتشارات کتاب ارجمند.

قاسم‌زاده، حبیب‌اله. (۱۳۹۴). «استعاره و پردازش استعاره‌ای»، *خلاصه مقالات هفتمین*

سمپوزیوم نوروپسیکولوژی ایران. تهران: دانشگاه خوارزمی. ۴۷-۲۷.

کرمی نوری، ر. (۱۳۸۵). «دوزبانگی و تأثیر آن بر حافظه کودکان». *مجموعه مقالات نورو*

پسیکولوژی شناختی. تهران: انتشارات ارجمند. ۳۴-۱۶.

نیلی پور، ر. (۱۳۹۴). «پرسش‌های معرفت‌شناختی درباره مبانی زیست‌شناختی زبان».

مجموعه مقالات نخستین همایش زبان‌شناسی، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی. ۳۴-

۵۲

معظمی، د. (۱۳۹۶). *مقدمات نوروسایکولوژی*. تهران: سمت.

مدرسی، یحیی. (۱۳۶۸). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*. تهران: موسسه مطالعات و

تحقیقات فرهنگی.

Anooshian, L. J. & Hertel, P. T. (1994), "Emotion in free recall: Language specify in bilingual memory". *Cognition and Emotion*. 8(6): 503-514.

Bialeka-Pikul M. (2002). *Co Dzieci Wiedza o Umyśle I Myśleniu. Badania I Opis Dziecięcej Reprezentacji Stanów Mentalnych*. Kraków: Wydawnictwo UJ. [Polish].

Biyalka-Pikul M. (2003). "Metaphors in preschool child thinking about the mind". *Psychology of Language and Communication*. 7(2): 37-47.

Bialystok, Ellen. (2002). "Acquisition of literacy in bilingual children: A framework for research: Language learning". *Journal of Psycholinguistic Research*. 15(1). 13-32.

Cummins, J. (1991). *Interdependence of First & Second Language Proficiency in Bilingual children*. Cambridge: Cambridge University Press.

- . Andrade, R. (2006). *A Study of Personal and Cultural Values: American, Japanese, and Vietnams*. New York: Palgrave McMillian.
- Diaz, R.M. & Padilla, k. (1985). *The Self Regulatory Speech of Bilingual Preschoolers*. Paper presented at the 1985 meeting Of the society for Research in child Development. Toronto.
- Dwairy, M. (1997). "A biopsychosocial model of metaphor therapy with holistic cultures". *Clin Psycho Rev.* 17(7): 719-732.
- Dwairy, M. (2006). *Counseling And Psychotherapy with Arabs and Muslim: A culturally sensitive approach*. Cited in: New York Teacher College Press.
- Engel, S. (1988). "Metaphors: How are they different for the poet, the child, and the everyday adult?" *New Ideas in Psychology.* 6: 333 – 341.
- Fillmore, C. J. (1982). "Frame semantics: Linguistic Society of Korea". *Linguistics in the morning Calm*. Seoul: Hanshin. 111-38.
- Gibbs, R. W. (1994). *The Poetic Of Mind: Figurative Thought, Language, And Understanding*. Cambridge: Cambridge University press.
- Geeraerts, D., Kristiansen, G. and Peirsman, Y. (eds). (2010). *Advances in Cognitive Sociolinguistics*. Berlin: De Gruyter Mouton.
- Grosjean, F. (1992). *Another View Of Bilingualism: Cognitive Processing in Bilinguals*. Amsterdam: Elsevier.
- Gronsbj, R & presold, R. (2008). *Effects of Bilingualism on Cognitive Abilities*. In Rosenberg-Bilingual .html.
- Kessler, C. and Quinn, M. E. (1982). *Cognitive Development in Bilingual Environments*. New York: Plenum Press
- Kövecses, Z. (2010). *Metaphor: A Practical Introduction*. 2nd ed. Oxford: Oxford University Press.
- Lakoff, G. (1993). "The contemporary theory of metaphor and thought". In Ortony, A. (ed). *Metaphor and Thought*. Cambridge: Cambridge University. 202-25.
- Lakoff, G. & Johnson, M. (1980). *Metaphors We Live By*. Chicago: University of Chicago Press.
- Lee, D. (2001). *Cognitive Linguistics; An Introduction*. Oxford: Oxford University Press.
- Meltzoff, A. N., Gopnik, A. & Repacholi, B. M. (1999). "Toddlers' understanding of intentions, desires, and emotions: Explorations of the dark ages". PD Zelazo, JW Astington, DR Olson, editors. *Developing*

- Theories of Intention: Social Understanding and Self Control.* Mahwah, NJ: Erlbaum. 17-41.
- Nicoladis, E. (2008). "Bilingualism and language cognitive development". In Altarriba & Heredia (eds). *An Introduction to Bilingualism Principles and Process.* 167-181.
- Peal, E& Lambert, W. (1962). "The relation of bilingualism to intelligence". *psychology Monographs.* 76 (27, whole no. 546).
- Sampath, K. K. (2005). "Effect of bilingualism on intelligence". *British Journal of Psychology.* 14. 25-38.
- Sing-Kiat, T. & Dueck, A. (2006). *Effect of Language and Culture on Bilingual Chinese Verbal Expression of Depression.* First world congress of cross- cultural psychiatry.
- Sweetser, Eve. (1990). *From Etymology to Pragmatics: Metaphorical and Cultural Aspects of Semantic Structure.* Cambridge: Cambridge University Press.
- Taylor, I. (1990). *Psycholinguistics: Learning and Using Language.* Englewood Cliffs. New Jersey: prentice Hall.